



دوره هفتم تقنینیه

<p>جلسه ۱۰۴</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۰۴</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۰۸ مطابق ۲ شوال ۱۳۴۸</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود مطبعة مجلس</p>	<p>قیمت اشتراك مجلس لوزان سالیانه ده تومان خارج ۴ دوازده تومان قیمت تک شماره يك قران</p>

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه سیزدهم اسفند ماه ۱۳۰۸ * (مطابق سوم شهر شوال ۱۳۴۸)

فهرست مذاکرات

- | | |
|--------------------------------------|---|
| ۱ تصویب صورت مجلس | ۴ تقدیم لایحه طرز تقسیم جرائم ماخوذه از سر تکبیر قاچاق بین کاشفین |
| ۲ شور دوم لایحه تمدید قانون طبابت | ۵ بقیه شور دوم لایحه تأمین مدعی به از ماده ۲۶ |
| ۳ شور اول لایحه حقوق کبرکی وروارید | ۶ موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس ليله پنجشنبه هشتم اسفند ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

رئیس - آقای فیروز آبادی (اجازه) بعضی از نمایندگان - خیر

فیروز آبادی - قبل از دستور رئیس - صورت مجلس تصویب شد .

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (۲ - شور دوم لایحه تمدید قانون طبابت)

عین مذاکرات مشروح صد و چهارمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه با استثنای مذاکرات قبل از دستور (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تنه نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبین با اجازه آقایان : حسنعلی میرزا دولتشاهی - طباطبائی دیا - عبد العزیز خان دیا - افخمی - عباس میرزا - سید کاظم - پالیزی - کاشانی - الفت - اورنگی - کیخسرو - تهور ناش

غائبین می اجازه - آقایان : وهاب زاده - میرزا حسنخان وثوق - فراکوزلو - بوشهری - آصف - اعظم - لرستانی - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - بروجردی - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه - آقایان : مرآت اسفندیاری - بیات .

رئیس - خبر کمیسیون معارف راجع به تمدید قانون طبابت قرائت میشود
خبر کمیسیون:

کمیسیون معارف خبر کمیسیون را راجع بتمدید قانون طبابت برای شورائی مطرح قرار داد و با قبول پیشنهاد آقای لاریجانی ماده واحده را بترتیب ذیل تنظیم و خبر آنرا بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد.

ماده واحده - مجلس شورای ملی قانون طبابت مصوب ۲۸ شهریور ۱۳۰۶ را با ماده الحاقیه آن مصوب دوم آذر (۱۳۰۶) از تاریخ انقضاء برای مدت دو سال تمدید مینماید و وزارت معارف مکلف است نظامنامه اجرای آنرا تنظیم و پس از تصویب کمیسیون معارف مجلس شورای ملی بموقع اجراء گذارد
رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده میخواهم امروز يك تذکری بدهم هر چند میدانم خود دولت بهتر از بنده متذکر شده است ذکر فان الذکری تنفع المومنین و ان این است که ما هر قدر میتوانیم بایستی صحیه را توسعه بدهیم در این مملکت وضعیت صحی از حیث طب امروز خوش نیست البته امید داریم بواسطه مدارس طب و وسائل دیگری کاملاً این احتیاج رفع شود باز حالا در مرکز يك چیزی اگر چنانچه آقایان از مرکز بیرون تشریف ببرند می بینند چه خبر است این مردمی که در بیرونها مریض میشوند بهیچوجه قادر بچوردن دوا و مراجعه بطیبیب نیستند چون دواها دواهای فرنگی شده معالجات معالجات فرنگی شده و این از قدرت رعیت ایران خارج است بان ملاحظه وقتی که مریض شدند مگر اینک خدا آنها را شفا بدهد و الا تلف میشوند و ثالیاً بنده خیلی تشکر میکنم از دولت که بنایش را بارفاق گذاشته است که در هر جا که طبیب ندارد البته اشخاصی که يك تجربیاتی دارند در آنجاها بروند خیلی خوبست و از این جهت

این تمدید مدت خیلی خوبست ولی دوسال کافی نیست و باید پنجسال باشد (دستی - بلکه ده سال!) که کاملاً اینها راجع به تعلیم و تجربه طب آگاه بشوند و يك طبیب عالم حاذقی بشوند که حفظ جان مردم بشود (دکتر سنگ - پیشنهاد شده است) باین ملاحظه بنده این پیشنهاد را میکنم که مدت کم است و بایستی بیشتر شود و باید با این اطباء بیشتر ارفاق کرد همراهی کرد و آنها را تشویق کرد که بروند و اینمدت تحصیلات خود را تکمیل کنند

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده میدانم در مقابل آقای فیروز آبادی که موافق تر بودند بنده که موافقم چه عرض کنم نهایت ایشان میفرمایند دو سال کم است و باین پنجسال شود بنده هم با ایشان هم عقیده هستم که دوسال کم است و عقیده ام این است که آقای وزیر معارف موافقت بفرمایند و مدت را زیادتر کنند (بعضی از نمایندگان - شما هم که مخالفید) و این هم يك نوع ارفاقی است نسبت بمردم در همچو وقت که اطباء تحصیل کرده بقدر کفایت ما نداریم شاید بیست سال دیگر سی سال دیگر هم به اندازه کافی طبیب نخواهیم داشت بنا بر این يك اطباء که اسباب اطمینان قلب مردم هستند و بهمان دواهای ایرانی مردم را بحسب خیال راحت میکنند ما باین و بگوئیم دست شما هم کوتاه باشد ما کسی را هم شما نمیگذاریم پس مردم کجا بروند و چه کنند براین تمدیدش خیلی خوبست و بنده موافق هستم که فیروز آبادی و هر دو موافق بودیم و خوبست يك حرف بزند بعد به بنده اجازه داده شود.

رئیس - آقای افسر

افسر - بنده موافق هستم با قانون ولی آقای کازرونی و آقای فیروز آبادی هر دو مخالف بودند و باین

بودند میدانم حالا نوبت بنده هست بانه؟ عرض می کنم که بنده با دوسال موافقم و چندروز قبل خیال می کردم کم است چنانچه در جلسه قبل هم عرض کردم بعد که فکر کردم و مشاوره کردم با اشخاص مطلع معلوم شد دوسال کافی است بجهت اینکه تمام آلهائی که برای امتحان حاضر شده اند و یا حاضر خواهند شد بعد از اخطار هائی که در این چند سال شده است و تمدید هائی که داده شده است هر چه باقی مانده باشد کافی است که در اینمدت دوسال اگر چیزی باقی مانده باشد امتحان بدهند در صورتیکه اگر ما دو سال را قائل بشویم بهتر است برای اینکه اگر بخواهیم که تا پنجسال دیگر امتداد دهیم البته اینها دنبال تحصیل میروند و همین تحصیلات ناقص را دارا خواهند بود و بعقیده بنده دو سال خیلی خوبست که در ظرف این مدت تحصیلات خود را تکمیل کنند

بیات - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای عدل

عدل - مخالفت بنده با عبارت اخیر ماده است و این عبارت از این است که مینویسد وزارت معارف مکلف است نظامنامه اجرای آن را تنظیم و پس از تصویب کمیسیون معارف مجلس شورای ملی بموقع اجراء گذارد. بنده اساساً با نظامنامه نوشتن مجلس مخالفم و این را وظیفه دولت میدانم و عقیده ام این است که مجلس نباید بکار دولت و دولت بکار مجلس دخالت کند چنانچه بعضی از اعضای دولت قوا این را میگذارند جلو شان و يك تفسیر هائی خودشان میکنند بنده عقیده ام این است که نظامنامه بنویسد و در این ماده بخصوص بنده عرض میکنم که این يك قانون نازک نیست يك قانونی است قدیمی و حالا ما آنرا تمدید داریم میکنیم ناچار وزارت معارف برای این قانون نظامنامه نوشته است و بموقع اجراء هم گذاشته حالا از نو برای این قانون نظامنامه نوشتن آنها هم

بتصویب کمیسیون معارف این را بنده مقتضی میدانم فرضاً اگر کمیسیون میخواست ممکن بود در موقع تجدید نظر بقانون بهمان نظامنامه هم تجدید نظر کند و اگر اصلاحاتی لازم دارد بکند بهر حال بنده با این قسمت مخالفم
دکتر طاهری (مخبر) - موضوعی را که آقای عدل فرمودند

بعقیده بنده تمام نظامنامه هائی که برای قوانین نوشته میشود بهتر اینست که با مشورت کمیسیونهای مربوطه باشد برای اینکه قوانینی که از مجلس میگذرد نامذاکرات کافی که در اطرافش میشود و نظریاتی را که اعضاء کمیسیون در قانون میکنند معذک نظامنامه هائی که برای اجرا مینویسند يك چیز هائی درش هست که مخالف با روح قانون است مثلاً برای امتحان اطباء نوشته بودند که بایستی بیست تومان داوطلبین بدهند در صورتیکه این يك مالیاتی است و بدون اجازه مجلس که نمیشود وضع مالیات کرد بالاخره دو سال معمول بود بعد ملغی شد از این نقطه نظر این قانون جدیدی است که چه همان قانون است که تمدید میشود ولی برای اینکه در نظامنامه يك رعایت هائی بشود شاید مقتضی باشد که در نظامنامه نوشته باشد که این اطباء مجاز وقتیکه اجازه نامه میگیرند باید متمهد شوند که پیشنهادات صحیه را قبول کنند و اگر آنها را مامور کردند بيك نقطای بروند که حقوق بهشان بدهند امتناع نکنند و بعقیده بنده این هیچ ضرری ندارد و نظامنامه هم همان نظامنامه است منتها اصلاح میشود و کمیسیون معارف يك نظری درش میکند و تصویب میکند و اما راجع بمدت که گفته شد گرچه تمدید این قانون نه فقط از نقطه نظر ارفاق بيك اشخاصی است که طبیب هستند بلکه از نقطه نظر احتیاج مملکت است (آقا سید یعقوب صحیح است) از نقطه نظر نبودن طبیب بقدر کافی است مگر در اینجا صحبت شده که مدرسه طب سالی از بیست و چهار شاگرد دیپلمه بیشتر بیرون نداده است و این عده هم که فوراً بکار طبابت مشغول نمیشوند بعضیها میروند باروبا برای تکمیل تحصیلات خودشان

و بعضی ها وارد خدمات دولتی میشوند و بر فرض هم که نشان وارد طبابت بشوند باز کافی نیست و يك نقطی را بامید اینکه باید طبیب دیپلمه داشته باشند محروم کنند از داشتن هیچ نوع طبیبی اینهم صلاح نیست یعنی طبیعت هم اجازه نمیدهد بعلاوه معارف و صحیه اینها يك چیز هائی است که ممکن نیست در تمام نقاط يك نسبت باشد مثلاً مدرسه متوسطه خیلی خوبست ولی آیا ممکن است در تمام قراء و قصبات مدرسه متوسطه داشته باشند ولی در قراء و قصبات آگر تحصیل ابتدائی تمام شد مراجع می کنند بهمان مدرسه متوسطه مرکزی اگر چنانچه بهترین دکتراها ممکن بود که برای هر قسمت از مملکت معین میشد البته این آرزوی همه است ولی حالا که ممکن نیست پس چرا بایستی اینها را بکلی از داشتن طبیب محروم کنیم پس تمديد این قانون تنها از نقطه نظر ارفاق باشخاص مخصوصی نیست بلکه از نظر احتیاج ولایات کوچک و قراء و قصبات و مریضخانه ها و معارف طبیب اینطور چیزها است و اما راجع به اینکه پنجسال باشد یا دو سال کلیه قضایا را بایستی از جنبه افراط و تفریط هر دو جلوگیری کرد این اشخاص اشخاصی نیستند که حالا بخواهند امروز بیایند طبیب باشند آنها بر طبق قانون اقلابایستی ده سال طبابت کرده باشند بعلاوه در اینمدت دو سال هم دو سه مرتبه امتحان داده اند امتحانی هم که از اینها میشود با نهایت سختی است مخصوصاً امسال در مرکز مثل امتحانی که از اطباء دیپلمه میشده از اینها هم شده است (کازرونی - بهتر از اطباء جدید است) اگر کسی از عهده این امتحان بر نیامده با آن عملیات سابقه چه عیب دارد و در قانون نوشته شده است که در حدود معلوماتشان با آنها اجازه داده میشود یعنی هر طبیبی وقتی امتحان داد بر طبق معلوماتش که تا چه اندازه است میتواند او طبابت کند و اینها هم اشخاصی هستند که سالیان دراز مشغول طبابت بوده اند و چهار مرتبه هم تاجحال امتحان داده اند بعضی ها موفق شده اند

بعضی ها نشده اند حالا تمديد برای این است که ار تکمیل کند تحصیلاتش را و ششماه بعد برود امتحان بدهد چهار مرتبه هم امتحان میدهد و در این چهار مرتبه اگر موفق نشد دیگر نمیتواند پس حالا ما بیاییم از نو تمديد کنیم دیگر بیش از دو سال مقتضی نیست و اگر چنانچه در این چهار مرتبه امتحان موفق شد حق دارد طبابت کند و اگر موفق نشد که باید ممنوع باشد جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - کافی است ؟

روحی - بنده مخالفم کافی نیست آقا

رئیس - بفرمائید

روحی - عرض میکنم غالباً معمول شده است اشخاصی که با کفایت مذاکرات مخالفت میکنند سوء استفاده میکنند عرایض خودشان را میگویند ولی بنده نمیخواهم این سوء استفاده را بکنم يك عرایضی بنده دارم که به نفع مملکت است چون آقای وزیر معارف هم تشریح دارند خوبست آقایان موافقت بفرمایند که بنده عرایض خود را بگویم ...

بعضی از نمایندگان - بفرمائید

رئیس - آقایان اجازه میفرمایند که بگوئید

روحی - عرض میکنم که ما بد بختانه از هر جهت فقیریم و رفته رفته باید بتوانیم که از هر جهت فقر خودمان را رفع کنیم از حیث معارف از حیث صحیه امروز مملکت خودش را محتاج دیده است که یکمدهه اطباء که سابقه طب ندارند به آنها اجازه طبابت بدهد بنده توجه آقای وزیر معارف را بجانب خودم معذرت میکنم عرض میکنم اینها عمرشان که بیایان رسید بالاخره میشوند عمر نوح که ندارند آن محلی که میتوانند مملکت طبیب بدهد این مدرسه طب است بنده این مدرسه را قبول ندارم جز تصویب پول و وقت و جز تصویب وقت يك مشت محصول بد بخت هیچ نتیجه ندارد نباید

لاهورانوار و نه يك سالون تشریح واقعاً چیز غربی است و يك بد بختی است برای مملکت که وزارت معارف سالون تشریح نداشته باشد ولی مدرسه طب داشته باشد بنده استدعا میکنم که این مدرسه طب را تکمیل کنند این کار خاله آدمسازی است اینجا يك جایی است که باید مملکت میخورد الان شما ملاحظه بفرمائید ببینید چندر اطباء خارجی از مملکت ما استفاده میکنند که بایستی حقیقه بی نیاز باشیم از وجود اینها و لاقططی که میراث پدران ما بوده و ما همیشه در دنیا در این درجه مقام اول را داشتیم و در علم طب اول بودیم حالا اینطور نازل کرده ایم و اینقدر پائین آمده ایم که يك مدرسه طب هم نداریم که لاقططی سالی بتواند سی تا شاگرد یعنی طبیب بماند بدهد . من میخواستم ببینم که آقای وزیر معارف تاجحال چه کرده اند و این پولی که ایشان خرج میکنند این پول هباء منثورا شده و دور ریخته شده است و این وقتی را که این محصلین در این جاسرف می کنند و اشتغال دارند این وقت تصویب شده است یا حقیقه کاری میشود؟ و زحمت کشیده میشود؟ بنده عرض میکنم اگر کسر و منقصت دارید بودجه نان را بیاورید حالا که دارید بودجه می نویسد الان که برای سال ۱۳۰۹ تهیه بودجه میکنید در بودجه سال آتی مدرسه طب کار هائی که باید بکنید و قسمت هائی را که می خواهید تکمیل کنید پیش بینی کنید اگر وسائل ندارید باید از مجلس شورای ملی اعتبار بخواهید لایحه اش بیاورید امروز ما آقا از هر چیز بصحیه بیشتر احتیاج داریم امروز ما در مملکت دست بگریبان امراض مزمنه هستیم که باید با وسائل صحی آنها را رفع و نابود کنیم لایحه و وسائل صحی کامل در این مملکت نیست (این تصدیق بفرمائید) چرا کامل نیست؟ چون طبیب نداریم تازه می آئیم و قانون گذشته را دو سال تمديد میدهم؛ چون باز یکمسته اشخاصی هستند که تجاری دارند نسبت چیزی بلدند میگوئیم بیایند و در این مملکت

طبابت کنند برای چه؟ برای اینکه طبیب نداریم مدرسه طب مان کامل نیست و این را هم عرض میکنم که يك ترتیبی بکنید و یکقراری بدهید راجع باین اطباء که در طهرانند و آنهایی که از همین مدرسه بیرون می آیند که اینها در خیابانهای طهران تابلو تزنند اینها بروند بکلیایگان، کمره، خوانسار، خمین، جیرفت، رودبار کرمان، مراغه، خوی، آذربایجان در این جاهائی که هر بیست فرسخش يك نفر طبیب هم نیست و محتاج هستند همانطوری که در ممالک سائر دنیا میکنند فرانسه کرده است آلمان کرده است دیپلم را میگذارند جلو و روی معلوماتشان آنکه معلوماتش بیشتر است در مرکز بماند و آنکه نیست برود بخارج مرکز در این جا هم همین کار را بکنید آنکه معلومات خوب دارد در طهران بماند آنکه ندارد برود در خارج این را بنده در شور اول هم عرض کردم و یکی از آقایان بمن گفت که آزادی را نمیشود تجدید کرد بنده عرض کردم خیر حقاً باید این آزادی تجدید بشود چون اگر طبیب خیلی است بروند خارج از مرکز بروند سر آن مردمانیکه هزار تالی شان يك نفر طبیب ندارد بروند آن جا طبابت کنند بنده يك نفر طبیب ندارند بروند آن جا طبابت کنند بنده میخواستم به بینم در این موقع که سال نو بود چه اش در شرف اجرا است آقای وزیر محترم معارف چه عملی کرده اند و چه اقدامی برای مدرسه طب کرده اند اگر آن وسائل سابق باقی است که این فایده ندارد و پول هدر میرود اگر هم وسائل را تکمیل کرده اند که در این جا بفرمایند که ما بآئیه این مؤسسه امیدوار باشیم

وزیر معارف (آقای قره گوزلو) - عرض کنم مراتبی را که آقای نماینده کرمان فرمودند قابل همه گونه تمجید هست ولی لازم است که اینجا بعضی مسائل را حضور آقایان تذکراً عرض کنم . اینکه فرمودند آیا وزارت معارف اطمینان دارد که تا دو سال دیگر برای مملکت بقدر کافی میتواند اطباء تهیه کند از موازین و احصائیه

که در دست ما هست تصور میکنم که خواهد توانست زیرا که دولت از این محصلینی که باروبا میفرستد سالی سی نفر را برای تحصیل طبابت میفرستد اگر شش سال را حساب کنیم صد و هشتاد نفر طبیب دیپلمه درس خوانده خواهیم داشت که از فرنگستان بایران مراجعت خواهند کرد پس اینجا دویست نفر طبیب دیپلمه خواهیم داشت و اگر نظری هم بمحصلین آزادی که در فرنگستان درس میخوانند بکنیم آنها صدی پنجاه شان محصل علم طب هستند و اینها هم گمان میکنم تقریباً عدهشان دو مقابل محصلین دولتی است پس میتوانیم بگوئیم تقریباً هزار نفر هم محصل آزاد در فرنگستان داریم که بتحصیل علوم مختلفه مشغولند و اگر صدی پنجاه آنها را فرض کنیم طبیب بشوند پانصد نفر هم از این جا طبیب پیدا میکنیم یعنی از محصلین آزاد ایرانی از آن محصلین دولتی هم عده طبیب میشوند پانصد شصت نفر هفتصد نفر رویم رفته در ظرف چند سال دیگر طبیب خواهیم داشت و اگر اینها را بنام مملکت قسمت کنیم بولایات ایران گمان میکنم برای همه جا باندازه کافی طبیب داشته باشیم (صحیح است) و بنده گمان میکنم که دیگر محتاج نباشیم این قانون را برای پنجسال دیگر تمدید بدهیم و همان دو سال کافی است و در این دو سال هم اینها باید تذکراً عرض کنم که باین اطباء گفته ایم که باید در این دو سال خودشان را تکمیل کنند در مریضخانهها و قطعاً اینجا عرض میکنم که اینها هم در صدد تکمیل خودشان هستند چنانچه آقای مخبر هم فرمودند و حقیقه هم بعضی هاشان خیلی خوب از عهده امتحان بر آمده اند خود بنده هم بودم و نمرات خوب داشته اند و عین مراتب راهم که نوشته بودند بنده خدمت آقای دکتر دادم و رویم رفته خیلی خوب بود و باید در این مدت هم خودشان را تکمیل کنند... اما اینکه فرمودند مدرسه طب ما ناقص است بنده نمیگویم و ادعا نمیکنم که مدرسه طب ما خیلی کامل است و از هر جهت تمام است همچو نیست البته نواقصی دارد و باید این نواقص را هم بتدریج

اصلاح کنیم و با همراهی و کمک آقایان نمایندگان محترم وزارت معارف مترصد است که همین امسال شروع باصلاحات بکند
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
 رئیس - کافی است؟ پیشنهادی از آقای دکتر سنگ رسیده است:

پیش نهاد دکتر سنگ

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکه پیشنهادی کنم که مدت تمدید پنجسال بوده باشد دکتر سنگ - عرض میشود آنچه که تصویب این قانون را اجاب می کند و آقایان هم اظهار فرمودند اینجانب بطیب است و وزارت معارف را این امر وادار کرده است که يك همچو قانونی را بمجلس بیارند ما بایستی این قانون را از نقطه نظر اینکه مملکت اینجانب بطیب دارد تصویب کرد...

اعتبار... اگر مدت کافی نبود باز می آورد چه مانعی دارد دکتر سنگ... باز می آورد؟ هلم چرا... این لایحه مصداق همان هلم حرائی است که غلبه آقایان خوانده اند. در سال گذشته بنده یکی از اعضای این قانون بوده ام و از نقطه نظر وجدان عراضی داشتم و عرض کردم مدت یکسال بود بنده استدعا کردم حضور آقایان که مدت دو سال شود. چرا؟ اینک يك فرجه باشد. ما فقط طبیب نداریم و این قانون میخواهد يك اشخاصی را طبیب بکند ولی کافی نیست ما وقتی می خواهیم بان جاهائی که در دست است و طبیب ندارند طبیب برای شان بفرستیم باید اقلاً اطباء باشند که اطلاعاتی داشته باشند میفریند اینها هم همان اطلاعات دارند خوب است اینطور است که همین دیپلم آقایان اطباء دیپلم را بانها بدهید. میفرمائید بهتر است بهتر است یا نه میفرمائید که بان اندازه تحصیلات ندارند که هیچ

طرز فرمایشات و بیانات آقایان بنده اینطور استنباط کردم که میفرمایند اینها تحصیلاتی کرده اند ولی اطلاع کافی ندارند البته بدیهی است این مطلب هیجده سال یک نفر طبیب دیپلمه زحمت کشیده است بیست سال زحمت کشیده است شش سال ابتدائی شش سال متوسطه شش سال هم در کلاس عالی زحمت کشیده اند این مدرسه ایست که من دیده ام و شنیده ام و میل داشتم که استاد معظم من آقای دکتر امیراعلم تشریف بیاورند اینچاپون وعده داده بودند راجع بمدرسه طب بیاناتی بفرمایند ولی نفرمودند بنده بارسال نشسته بودم درب منزل دیدم بیست نفر کور آمده اند آنجا گفتم شما را چطور شده است که اینطور شده اید گفتند ما چشممان درد میکرد بعد کور شدیم برای اینکه کحال نداشتیم بنده خیلی متأثر شدم رفتم خدمت حضرت آقای وزیر معارف بی نهایت از ایشان متشکرم بجهت اینکه ایشان کاملاً جدید دارند در پیشرفت امور معارفی (صحیح است) در هر حال بنده آن روز رفتم خدمتشان و از ایشان استدعا کردم راجع بامور طب و مدرسه طب که جزو معارف است يك اقداماتی بفرمایند ایشان هم قلم را در دست گرفتند و گفتند محظوراتی دارم که باین زودی پیشرفت نمیکند این مدرسه یکی مسئله بودجه است پول میخواهد مدرسه (بعضی از نمایندگان - هر کلری پول میخواهد) از هر چیز لازم تر امروز برای ما طبیب است که تهیه کنیم و بفرستیم بولایات برای آن بیچارگانی که در دسترس آنها طبیب نیست بالاخره ما میخواهیم این آقایان را با این قانون بفرستیم برای طبابت چرا؟ چونکه طبیب نداریم خوب یعنی چه یعنی اگر طبیب داشتیم اینها را نمیفرستادیم باز یعنی چه؟ یعنی معلومات اینها کمتر از معلومات آنهاست که در مدرسه تحصیل کرده اند پس حالا که ما میخواهیم این کار را بکنیم پس اینمندی را لا اقل امتداد بدهیم بنده با آقای فیروز آبادی عرض کردم که باید اینرا عجالاً امتداد بدهیم ملاحظه بفرمائید بنده که مخالف هستم آمده ام

پور محسن - میمیرد
 دکتر سنگ - میمیرد؟ این خوب است بمیرد؟! چرا ما نمیریم؟! چرا او بمیرد؟! من عقیده ام این است که کسانی که این جا دیپلم میگیرند آنها نروند در شهر ها و اینها در شهر باشند تا این پنجسال يك کاری بکنند و اینطور بمجلسه امتحان ندهند و يك مدتی وقت بآنها بدهند که اقلاً يك انترکسیون زدن را یاد بگیرند گل گاوزبان و گل بنفشه دیگر نمیشود باید چیز های دیگر را هم یاد باشد بنده بشما قول میدهم يك کسی دیپتر یکی يك کسی که دیپتری دارد میلیونها

من بنفشه باوردهید هیچ نمر ندارد اساساً آقا مرض یا غیر قابل علاج است یا قابل علاج آنکه قابل علاج نیست مثل سل و سرطان که نا بحال دوائی برایش پیدا نشده است که هیچ و آنچه که قابل علاج است البته باید اول تشخیص داد بعد علاج کرد نه اینکه عوارضی هم بر آن مرض زیاد کرد. تیفوئید مرضی است که قابل علاج است اما وقتی کسی میمیرد در نتیجه منازعت می میرد در نتیجه مرض قلبی میمیرد و این طبیعی که میبرد آن جا بالای سر او باید افلا یک انژکتیون زدن را بلد باشد. مثلاً دیفتری شما میفرمائید طبیب مجاز در حدود معلوماتش باید باو اجازه داد این جمله یعنی چه؟ از آقای هزار جریبی بروید بپرسید يك قضیه را تحقیق کنید روزی در خدمت شان بودم آقای فیروز آبادی خدمت تان عرض کردم قلت شرکاء در این مورد برای من مطلوب نیست من میل دارم برای رفاه حال مردم طبیب زیاد تر شود (دستی - شما وکیل هستید دیگر طبیب نیستید) خلاصه طبیب تازه آمده بود آن جا در حضور آقای هزار جریبی آلاب حاضرند (یکی از این آقایان آمد آن جا) گفتند امتحان داده ام گفتم خوب اگر يك کسی آبانده است گرفت چه می کنی؟ گفت مطابق قانون بوعلی عمل می کنم والله قسم می خورم همین جور است و اینکه در حضور آقایان عرض میکنم صحیح است آقای هزار جریبی هستند حالا این غیر از آن است که گفته بود ذات - الریه اش ورم دارد یا صداعش درد می کند این است آقا. در حال بنده عقیده ام این است که اگر يك طبیعی این جوری تصدیق گرفت لااقل برود يك جایی که در دسترس خودش يك طبیب دیپلمه استینافی داشته باشد يك نفر مبتلای بدیفتری را آوردند بدانند چه بکنند یا بان طبیب مراجعه کند. اگر این در حدود معلومات این جا باشد که این قانون قانون موهومی خواهد بود چرا؛ چون حدود معلومات او جز قانون بوعلی چیز دیگری نیست؛ در هر صورت دوسال که هیچ کافی نیست و باز فردا مجبور بتمدید میشوند این است که استدعا میکنم

آقای وزیر هم موافقت بفرمایند که این مدت را پنجسال بکنند این هم يك ارفاقی است باین آقایان که میخواهم بولایت و اطراف بفرستیم که يك عملیاتی بکنند و يك تجربیات و دستوراتی بر معلومات خودشان اضافه نمایند و در نظام نامه هم ممکن است باحضور آقایان اعضا کمیسیون يك شرایطی بشود که اینها چه قسم بکنند چه کارهایی را مجازند بکنند از آنطرف هم در ظرف این مدت مدرسه را توسعه بدهیم که بر عده اطباء تحصیل کرده مدرسه دیده افزوده شود این بود عقاید و نظریات بنده حالا بسته است بمیل مبارک آقایان.

کارزونی - احسنت

مخبر - فرمایشات آقای دکتر اصولاً صحیح بود ولی ربطی به پیشنهاد نداشت

افسر - بلندتر بفرمائید

مخبر - عرض کنم که فرمایشات آقای دکتر سنگ از نقطه نظر کلیات و تئووری صحیح بود ولی مربوط به پیشنهادشان نبود که مدت را تمدید کنند و به پنجسال توسعه بدهند. دلائلی که اقامه کردند برای این است که اصلاً این قانون تصویب نشود زیرا که اگر اینطور نیست بایستی يك دلائلی اقامه بفرمایند که این قانون تصویب شود. چون میفرمایند که آن آدم از عهده انژکتیون کردن بر نمی آید و قتیکه خوب این قانون با این تمدید تصویب نشود آیا ایجاد طبیب میشود؟ که میشود اگر چنانچه باز این شخص بنده آنجا آنوقت دیفتری معالجه میشود؟ آنوقت هم که معالجه نمیشود اما اینکه فرمودید باید اطلاع داشته باشد اگر چنانچه در این قانون نوشته شده بود که کسانی که دهسال طبابت میکنند بهشان اجازه داده شود بدون امتحان و رسیدگی این عقیده حضرت عالی البته آنوقت صحیح بود چون البته بصراف اینکه چند سال طبابت کرده است مقتضی نیست باو اجازه بدهند برود باو مردم بازی کند ولی اینجا امتحان میشود و امتحان

هم که میشود مشکل است اساساً موجبیکه اینقانون را تمدید میکنند چیست؟ برای این بوده است که چهار مرتبه امتحان شده اند و برای همان نظری که شما دارید دوسال دیگر تمدید میشود که اگر در آن مدت پیش کاری از پیش نبرده در این دوسال جدیدت کنند زحمت بکنند باز امتحان بدهد اینجا جمعاً میشود چهار سال (دوسال از پیش دوسال هم بعد) اگر باز از عهده برنیامد بعد از چهار امتحان و ده سال طبابت این دیگر باید برود پی کارش این دیگر چیزی بلد نیست.

بعلاوه این هیئت متحنه هم از اطباء دیپلمه هستند و بهترین اطباء در این امتحان داخل بوده اند وقتی که معلومات او را امتحان می کنند در حدود معلومات جدید اگر از عهده امتحان بیرون آمد و بهش اجازه دادند همان نظریه که جناب عالی دارید تأمین می شود دیگر این وقتی که امتحان داد و توانست سرم بزند و مرض دیفتری را تشخیص داد و میکرب او را هم شناخت یا نشان داد و طرز تولیدش را هم گفت که همان نظریه جناب عالی تأمین شده است و الا هیئت متحنه باو جواز نمیدهند اگر بدون امتحان و بصراف اشتغال ده سال طبابت این اجازه را می دادند که البته آن اشکالات جناب عالی ورود می شد ولی این آدم هم طبابت کرده است و شرط ورود امتحان طبابت کردن است و اجازه این هم شرطش قبول در امتحان است و با سخت ترین تجربیات از اینها امتحان می کنند پس از این لحاظ میشود گفت که پیشنهاد آقای دکتر در حقیقت مخالف نظریه ایست که دارند ایشان می خواهند بیشتر تضییق بود در صورتیکه اگر بخواهند تضییق شود باید مدت طولانی شود و کمتر شود.

دکتر سنگ - من نمی خواهم تضییق شود

مخبر - ولی در مملکت مادام که هست این جور باشد همین ترتیب می تمدید بدهند که نمیشود

دکتر سنگ - سوء تعبیر است نمی خواهم بهشان تضییق شود.

مخبر - ما می خواهیم با آنها می که دو سال است موفق به تحصیل اجازه نشده اند دوسال دیگر فقط مهلت بدهیم که تحصیلات شان را تکمیل کنند و اجازه بگیرند اگر در این دوسال که در واقع چهار سال است (دوسال پیش دو سال هم از این بعد) نتوانستند تحصیلات شان را تکمیل کنند که بروند پی کارشان اگر هم قبول شدند که جواز میگیرند در این امتحان پیش چند نفر امتحان دادند و قبول شدند بعضی ها هم نتوانستند و تمدید میشود تا دوسال دیگر اگر بعد از چهار مرتبه امتحان نتوانستند که بروند پی کارشان. پس در این دو سال بروند در مریضخانه تزد اطباء مهم کار کنند و زحمت بکشند و تکمیل کنند تحصیلات و تجربیات شان را اگر هم باز نتوانستند موفق شوند که چیزی بلد نیستند. در ضمن هم شاگردان اعزامی از اروپا مراجعت می کنند و مدرسه را هم آنطوری که وعده دادند توسعه میدهند و برای مملکت اطباء دیپلمه لایق و قابل تهیه میشود بقدر کفایت ولی البته بتدریج - چون همانطور که ترقیات مملکت تدریجی است این موضوع هم که ایجاد طبیب باشد تدریجی تر است و وقت می خواهد - يك جمله را هم آقای فیروز آبادی فرمودند که نظرم رفت عرض کنم حالا جواب عرض میکنم راجع بصحیه بود که فرمودند. صحیه در سنه گذشته اگر چه هفتصد هزار تومان بودجه داشت ولی عملاً چهار صد هزار و کسری تومان بودجه اش بود و صد و پنجاه طبیب سیار صحی در مملکت داشته اند و بعلاوه این اطباء صحی که در ولایات هستند صد و پنجاه طبیب سیار هم برای صحیه ولایات یعنی قراء و قصبات دارند و با آن جدیدی که رئیس صحیه فعلی دارد در حقیقت لازم است که در این جا گفته شود که صحیه ایران در این عصر جدید و این تشکیلات جدید احیائش از احیاء السلطنه بود و مراقبت و تکمیل

آن با لقمان الملك است. (صحیح است) اول صحیه چیزی نبود او احیاء کرد و ما باید قدر دانی کنیم بعد هم این رئیس صحیه فعلی از نظر تخصص و کار واقعاً صحیه را تکمیل کرده است و باید ازش قدر دانی کنیم که حقیقه این رئیس صحیه فعلی از نقطه نظر تخصص و کار دانی و صحت عمل فوق العاده شخص لایقی است و با این بودجه فعلی کاملاً مراقبت کرده است که در این مملکت باین عریض و طویلی با چهار صد هزار تومان هر قدر ممکن بوده است وسائل صحی را فراهم کرده است از این جهت بعقیده بنده خوب است آقای دکتر هم پیشنهاد شان را مسترد بدارند.

دکتر سنگ - خیر بنده بعقیده خودم باقی هستم.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای دکتر سنگ را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. سایر پیشنهاداتی هم که در این موضوع رسید است به کمیسیون ارجاع میشود [۳ - شور اول لایحه حقوق گمرکی مروارید]

رئیس - خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به گمرک مروارید مطرح است. قرائت میشود:

خبر کمیسیون

کمیسیون قوانین مالیه لایحه نمره ۵۲۳۹۷ دولت را با حضور نماینده دولت مطرح و پس از شور و مذاقه و اصلاحات لازمه بشرح ذیل خبر آنرا تهیه و تقدیم مجلس مقدس مینماید.

ماده واحده - وزارت مکلف است از مرواریدی که برای تجارت با خارجه وارد بندر لنگه میشود حقوق گمرکی دریافت نکرده و در موقع خروج صدی ربع از روی قیمت بعنوان حقوق گمرکی دریافت نماید

تبصره - هرگاه مروارید ورودی پس از نه ماه حمل بخارجه نشود مشمول قانون تعرفه گمرکی مصوب ۱۲

زد بآن و اگر دست بزیم تعرفه گمرکی ما خراب میشود ولی بنده در اینحا می بینم که برای مروارید میخواهند آن قانون را بهم بزنند و چه دلیل پیدا کرده است که راجع بمروارید میخواهند این کار را بکنند و حالا که این راه را پیدا کرده اند بنده کاملاً موافقم که یک چیزی واقع شود که نسبت بهر چیزی که وارد میشود گمرک بکشند اما این را بسط بدهند که یک قوتی باقصدایات بدهم...

عادل - این راجع بهمه چیز نیست راجع بمروارید است. گمرک همه چیز را بر داریم؟

آقا سید یعقوب - حالا صبر کنید اعلم العلماء این را بنده کاملاً موافقم که دولت و وزارت مالیه و این معاون که خیلی محل اعتماد بنده است نظری کرده اند که از تعرفه گمرکی مروارید کسر کنند که حقیقه یک تعرفه قبلی گمرک بود و آن قانونی که گذشت حقیقه هیچ واردات ملاحظه نکردند و خیلی حقوق گمرکی را کم قرار دادند و هم رأی ندادم پس حالا اگر راه را باز کردید این هم بنده موافقت میکنم که نسبت به چیزهای دیگر هم این اقدام را بکنید و گرنه برای چه دلیل آمده اند و تخفص داده اند این را فقط بمروارید که در آن

بند نظر کنید این را تجدید نظر میکنید ولی انومبیلی خانه ما را خراب کرد گراموفونی که فساد اخلاق و زار بدبختی در مملکت ایجاد کرد آنرا چرا شما دست بزنید خیلی غریب بود که یک نفر از اعضاء بلدیهم میگفت بد است که اگرافون را زیاد میکنیم و نشاط در دماغ ما ایجاد میکنیم (خنده حضار) گفتیم آقا این نشاط است این مردم را گرسنه میکند بدبخت میکند این چطور است رادارای ضرور ملی میکند؟ اینست معنای تربیت کردن ملت و قوت دادن روح يك ملت و ملت را از حال اولت بحال کمال آوردن و نشاط در دماغ ایجاد کردن؟ بل موضوع سر این است که اگر راه را باز کردید و بنده این کار را بکنید بنده عقیده ام این است که

نسبت بکلیه واردات این را در نظر بگیرد ولی اگر اختصاص بمروارید دارد نسبت بورودش نباشد نسبت بخروجش باشد و میفرمایند که وزارت مالیه میخواهد از مرواریدی که برای تجارت بخارجه وارد بندر لنگه میشود یعنی از عمان، از مسقط، از دبی آقای کازرونی میدانند وارد میشود (کازرونی - روی هوا میگویند) آنوقت حقوق گمرکی دریافت نکنید اینکه دیگر از آن لوايح نیست که از دولت بترسی و وقتی که خارج شد از آن همان مقدار که معلوم شده است حقوق گمرکی دریافت کنند بعدهم تبصره دارد که ملاحظه فرموده اید اصل موضوع عریض بنده این است که اگر راه را باز کرده اید تجدید نظر در کلیه اش بکنید که این همه ضرر برای ما نداشته باشد و الا اگر راه را باز نکرده اید علت این که اختصاص داده اید بمروارید که وقت وارد شدن چیزی گرفته نشود و وقت خارج شدن از بندر لنگه چیزی گرفته شود اینچه چیز است و نظر اساسی و فلسفه این لایحه چه چیز است

دکتر عظیم - (مخبر کمیسیون قوانین مالیه) - اجازه میفرمائید.

رئیس - بفرمائید.

کازرونی - بنده قبلاً اجازه خواسته ام نوبه بنده است آقا سید یعقوب - مخبر است آقا سایه آقا کم نشود بعضی از نمایندگان - صحیح است

دکتر عظیم - بنده هیچ فکر نمیکنم که در این لایحه از طرف شما این مخالفت بشود برای این که آن چیزی را که شما درش باید مخالفت کنید آن چیزی است که يك تضيقاتی بمردم بشود اینجا يك مذاکره ایست که این مانع برداشته شود و بحال مردم مفید باشد ولی علت اینکه چرا این مالیات را برداشته اند برای این بود بندر لنگه خراب شده بود صدی چهل و پنج حقوق گمرکی مروارید اسباب این میشود که فلاحت ناچری که می بیند در يك بندر دیگری که حقوق

گمرکی از او نمیگردد آنجا رجوع کند چه دائمی دارد اینجا بیاید؟ مثل اینکه رفتند بنا براین باید که اساساً این حقوق برداشته شود منتهی از برای این که يك گمرکی باشد يك تومانی يك پول از آن می گیرند سابقاً صدی چهل و پنج میگردید یعنی از صدتومان چهل و پنجتومان برای ورودی بیست تومان برای خروجی میگردید ولی در اینجا معین شده است که اگر خواستند حل کنند ربع صد يك و اگر چنانچه خواستند نگهدارند باید مالیات را بدهند چرا؟ از برای اینکه ضرر ما است اما اینکه فرمودند چرا از اتومبیل نمی گیرند آن يك چیز دیگری است (آفاسید یعقوب - گفتم راه باز شده است) آن اتومبیل البته وقتی میاید برای ما ضرر است و این مروارید هم اگر آمد و برنکشت مثل اتومبیل است.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - کافی است؟

ضیاء - کافی نیست. اجازه میفرمائید بنده مخالفم با کفایت مذاکرات است.

رئیس - بفرمائید.

ضیاء - بنظر بنده در این لایحه يك ابهامی است که محتاج بتوضیح زیادتری است که از طرف حضرت آقای مخبر یا معاون محترم وزارت مالیه باید داده شود اگر آقایان اجازه بفرمایند بیشتر درش صحبت بشود بهتر است و بنده عرض کنم...

بعضی از نمایندگان - بفرمائید

رئیس - بفرمائید.

ضیاء در این موضوع صحبت نشد و حل نشد که آیا این مرواریدی که وارد بندر لنگه میشود از مروارید های واردی بندر لنگه است یا این که حاصل میشود از آبهای ایران است اگر از آبهای ایران بدست می آید که مثل یکی از صادرات ما است و مثل یکی از صادرات

بعضی از نمایندگان - نیست این طور

مخبر - و خیلی کم مروارید دارد (کازرونی - خبرنگارید

بگذارید توضیح بدهم) خیلی کم است و بیشتر آنچه که هست بطور تجارتی است که از بیرون می آورند به بندر لنگه و نظر باینکه بندر لنگه جای خوش آب و هوایی است و جایی است که دیگران میتوانند آن جا بیایند می آیند و در آن جا معاملات مروارید زیاد میشود است در اثر این تعرفه گمرکی و جلوگیری که می شود این مرواریدی که می آید اگر نرود همینطوریکه الان بندر لنگه رفته است رو بخرابی بکلی از بین می رود.

عدل - اجازه میفرمائید؟

کازرونی - بگذارید توضیح بدهم

رئیس - صبر کنید باید اول رأی گرفت بکفایت مذاکرات. رأی میگیریم بکفایت مذاکرات موافقین نام فرمایند.

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای شریعت زاده

کازرونی - بنده اجازه خواسته ام.

رئیس - اجازه بفرمائید چون دو مرتبه ایشان این حرف را زدند باید جواب داده شود. مطابق نظامنامه نمیتواند بدون ترتیب صحبت کند (صحیح است) چون همیشه کار موافق را میکنند توبت موافق را غیر میندازد.

شریعت زاده - بنده چون این ماده را مبهم یافته ام در نظر داشتم...

عدل - بلند تر بفرمائید.

شریعت زاده - چون این ماده را مبهم یافته بودم نظر داشتم که از آقای مخبر یا آقای معاون استفسار برای این که مجلس قانونی که وضع میکند باید دلیل او کاملاً آشنا باشد این جا نوشته است از مطلق

مروارید اولاً باید معلوم شود که سواحل ایران مروارید دارد یا نه...

دکتر عظیمی - خیلی کم.

کازرونی - خیر خیلی دارد آقا.

شریعت زاده - اگر داشته باشد پس تسهیلات نسبت به آن حتمی است و اگر نداشته باشد با کم دارد چه دلائلی هست که آوردن مروارید مستخرج از آبهای دیگر در این مملکت و بندر لنگه معافیتش برای مملکت چه منافعی دارد و دلائلش باید گفته شود بنده آن دلائل را نشنیدم تقاضا میکنم از دولت یا هریک از آقایان نمایندگان یا آقای مخبر که دلائل این کار را تشریح کنند که اولاً بگویند سواحل ایران مروارید دارد یا ندارد و اگر دارد بچه دلیل از حیث تسهیلات مروارید ایران با مروارید جاهای دیگر باید مساوی باشد دلیل این که باید مساوی باشد باید گفته شود باین جهات است که بنده عقیده مثبت یا منفی اظهار نکردم و خواستم توضیح داده شود.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - البته نمایندگان محترم حق دارند که اطلاع کامل از کیفیت صید مروارید و کیفیت تجارت و استخراجش نداشته باشند و برای آقایان هیچ عیب و نقصی نیست و از این جهت بنده با اجازه آقایان بقدری که میتوانم توضیحاتی میدهم. عرض کنم اولاً بیشتر از سواحل ایران در خلیج فارس دارای مروارید است و استخراج میشود از قبیل جزیره خارک که در طرف بوشهر است و بندر لنگه و بندر تابعه لنگه و بحرین (صحیح است) این رفیع بعضی اشکالات را کرد لیکن علت این که دولت این لایحه را آورد و همه باید تقدیس کنیم این است: بعد از آن خطی که در قسمت تعرفه گمرکی شد و حالا متنبه شدند و خواستند جبران کنند و این افتخار برای وزیر فعلی هست که این محظور را از یک بندر مهم مملکت و بالاخره

از خروج يك مقدار زیادی مال التجاره مرتفع کرد و با سستی که ما تشکر بکنیم و قدر دانی بکنیم . اصل کیفیت چیست تمام خلیج فارس جهت صید مروارید برای تمام عناصر و تمام مردم خواه ساکنین طرفین خلیج باشند یا غیره آزاد است و هیچگونه مخالفت و مزاحمتی از هیچ طرف برای صیادین وجود ندارد. مرواریدی در خلیج فارس از طرف ساکنین یعنی ساکنین طرفین خلیج فارس که يك قسمت هندوستان است و عمان و يك قسمت ایران است استخراج میشود سابق بر این یعنی در پنجاه ، شصت ، سی تا بیست سال قبل مجموع مروارید های مستخرجه از خلیج فارس وارد بندر لنگه شده و از این جهت بندر لنگه یکی از بنادر فوق العاده مهم بود و مردم بندر لنگه دارای ثروتهای خیلی زیاد بودند که در کتبی از بنادر دریافت میشد چرا؟ بواسطه این که مروارید هایی که از خلیج فارس بلکه از حدود عمان هم که استخراج میشد و وارد بندر لنگه میشد و عمده منافعی عاید بندر لنگه بود از قبیل قرض دادن جنس و پول خرید و فروش مروارید بالاخره مستخرجین يك مزدوری بیشتر نبودند برای اهالی بندر لنگه و ثروت در بندر لنگه فوق العاده زیاد بود ولی بعد کم کم سوء سیاست و تعدیات سیاسی متوجه باشد و اسباب بد بختی مردم لنگه و مردم آن سامان شد و يك عملیاتی کردند که بالاخره این مرکزیت از بندر لنگه منتقل بجای دیگر شد حالا کجا شده است کار نداریم آنهم مال ما است فرق نمیکند ولی بالاخره مجرای او را که در ایران بود برگردانند و شد آن چه شد . يك عیب دیگری هم پیدا شد تعرفه صدی پنچ گمرکی بلژیکی هم سبب شد که مردم متوجه سایر نقاط شدند که در آن جاها آزادانه استخراج کنند و این صدی پنچ را ندهند البته مجبور نبودند که مروارید های خودشان را به بندر لنگه بیاورند بلکه بسیاری از اهالی بندر لنگه که شاید عنصرشان عنصر عربی بود و مخالفت عنصری هم با ساکنین سواحل عربی نداشت خانه و لانه شان را برداشتند و منتقل به سایر

بنادر شدند و در آنجا مشغول استخراج شدند و رفتی رفته اسباب ضعف و خرابی بندر لنگه شد که عمده نفوسش که بالغ بر بیست هزار نفر بود امروز در حدود شاید ده هزار نفر باشد و اهمیت بندر لنگه خیلی زیاد است و بسیاری از مردم بندر لنگه از اهالی بحرین هستند که از تبعه اصلی و حقیقی ایران هستند (صحیح است) که با این که میل دارند بواسطه بندی آب و هوای سایر جاها حرکت کنند و بخانه اولیشان منتقل شوند . حالا این بد بختی بود تا اینکه تعرفه گمرکی جدید آمد آقایان البته فراموش نفرموده اند که بنده فریاد کردم دادها هم گریه ها کردم (عدل - ما که ندیدیم) که بیش از این سبب خرابی يك بندر مهم ایران نشود و صدی بیست و پنچ گمرق گمرک از مروارید نگیرد اگر برای شوخی و تفریح وارد کردند که اینجای شوخی و تفریح نیست اگر برای استفاده است که مردم مجبور نیستند يك همچو مرواریدی را که در بندر همچو دریای آزادی استخراج کردند بیایند و صدی بیست و پنچ بدهند بالاخره توضیحاتش این است و بقیه را آقایان هم کمال موافقت را دارند اصل موضوع را هم تبصره است که این تبصره میگوید مروارید هایی که وارد لنگه میشود یا دیگران هر که باشند در بندر آزاد خلیج فارس استخراج کرده است و وارد لنگه میشود امید وارم همانطوریکه سابقاً هم بوده بعد از این هم لنگه مرکز خرید و فروش مروارید کبکی السابق مقصود این است اگر يك همچو مرواریدی وارد شود بعد از این از تأدیبه هرگونه مالیاتی باید معاف باشد همانطور که مخبر محترم توضیح دادند این صدی پنچ در موقع خروج قائل شده اند در واقع يك حق ناقابل است که از این گرفته میشود و این صدی پنچ اهمیتی ندارد. در تبصره يك توهمی شده و این توهم برای این است که مبدا مرواریدی که وارد بندر خارج نشود یعنی خفه بشود. در انسان اگر نفسی میدهد خارج نشود خفه میشود. مروارید برای صید

پیشنهاد آقای کیا

رئیس - مذاکرات کافی است؟
 بعضی از نمایندگان - بلی
 رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:
پیشنهاد آقای احتشام زاده
 پیشنهاد میکنم عبارت اول ماده واحده بطریق ذیل اصلاح شود:
 ماده واحده - وزارت مالیه مکلف است از مروارید هایی که در آبهای متعلق بایران صید و برای تجارت با خارجه الی آخر .
پیشنهاد آقای طلوع
 مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی - تبصره ذیل را پیشنهاد مینمایم .
 تبصره - تخم نوغانهای وارده هم از حقوق گمرکی معاف باشد
پیشنهاد آقای ونوق
 مقام عالی ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکته این بنده در ماده واحده پیشنهاد میکنم عوض صدی پنچ نوشته شود هر صد تومان دوربال .

پیشنهاد آقای کیا

بنده پیشنهاد مینمایم تبصره الغاء شود .
 رئیس - آقایانی که با ورود در شور دوم موافقت قیام فرمایند .
 (جمعی قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد . ماده بیست و سوم قانون تامین مدعی به مطرح است . . . آقای معاون صحبتی داشتند بفرمایند

[۴ - تقدیم لایحه طرز تقسیم جرائم بین کاشفین قاچاق]

معاون وزارت مالیه (آقای سیاح) - لایحه ایست از برای تقسیم جرائمی که گرفته میشود که چطور مابین کاشفین تقسیم شود تقدیم میکنم (صحیح است)

[۵ - بقیه شور دوم لایحه تاهین مدعی به از ماده ۲۶]

رئیس - بطوریکه خاطر آقایان مطلع است ماده بیست و سوم قانون تامین مدعی به متوقف بر این بود که آقای وزیر عدلیه بیایند و خودشان در حلش شرکت کنند اتفاقاً ایشان مریض هستند ماده همینطور مانده لهذا ماده ۲۶ قرائت میشود :
 ماده بیست و ششم - دفتر محکمه مکلف است در ظرف دوروز سواد قرار محکمه را در باب توقیف مال غیر منقول با دانه ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک ارسال دارد در قرار مزبور باید اسم و اسم پدر و اسم خانواده و شغل مدعی علیه یا محکوم علیه و مقدار مدعی به یا محکوم به و نوع ملک توقیف شده صریحاً قید گردد . هرگاه ملک به ثبت رسیده باشد اداره ثبت اسناد و املاک باید در ستون ملاحظیات صفحه از دفتر املاک که راجع بان ملک است صدور قرار توقیف را یاد داشت کند و اگر ملک بموجب دفتر املاک متعلق به مدعی علیه یا محکوم علیه نباشد آن را نیز باید در ظرف دوروز بدفتر محکمه اطلاع دهد .
 رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم .

رئیس - آقای کیا

کیا نوری - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موافقم .

جمعی از نمایندگان - مخالفی ندارد .

رئیس - آقایان موافقین با این ماده قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده ۲۷ قرائت میشود :

ماده بیست و هفتم - بعد از زوال جهت توقیف رفع توقیف نیز بموجب قرار محکمه فوراً در جلسه فوق العاده و خارج از نوبت بعمل می آید سواد این قرار نیز بطوری که در ماده قبل مقرر است به اداره ثبت اسناد و املاک ارسال میشود تا در دفتر املاک قید گردد .

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم .

بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد .

آقا سید یعقوب - بنده عرضی دارم توضیحی می خواهم

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - مخالفتی نیست خواستم توضیحی

بدهم به آقای مخبر که در مقام عمل چطور میشود چون

اگر ملاحظه فرمایند نوشته است اول محکمه توقیف

می کند بعد که می بیند جهت توقیف زایل شد انوقت

رفع توقیف میکند . مادر کمیسیون نظرمان این بود

بمجرد اینکه جهت توقیف زایل شد و رفع توقیف شد

دیگر محتاج قرار محکمه نباشد تا اسباب زحمت برای آن

بیچاره که مالش توقیف شده بود بمجرد اینکه جهت توقیف زایل شد فوراً رفع توقیف بشود و محتاج بقرار محکمه نباشد . این را در کمیسیون مذاکره کردیم بعد گفتند نه باید محکمه دو مرتبه قرار صادر کند منتهی این کار را فوری و خارج از نوبت قرار میدهم نظر ما این بود که اگر آقای مخبر قبول کنند همین که قرار محکمه صادر شد توقیف لغو شود نه اینکه بعد از قرار محکمه صبر کنند تا از اداره ثبت اسناد و املاکم خبر برسد میدانم که اینکار فوری خواهد شد اما میدانید که کار در ادارات طول میکشد قرار محکمه صادر شده برای رفع توقیف بعد اگر بخواهند این را ببرند در اداره ثبت اسناد و در آنجا هم ثبت میکنند مسلماً در آنجا دوسه روز طول میکشد . نظر من این است اگر موافقت فرمایید بهتر این است همینقدر که قرار محکمه صادر شد باید رفع توقیف شود دیگر منتظر نباشند که در ثبت اسناد برود و خبر بدهد زیرا با این ترتیب مردم دو سه روز معطل خواهد شد

یاسائی (مخبر کمیسیون عدلیه) - تشخیص این مسئله

زوال توقیف که نوشته شده است با خود محکمه است

نه با متداعین . اگر چنانچه موجبات زوال توقیف فراهم

شده یا نه باید خود قاضی محکمه تشخیص بدهد

گفت متداعین (هر قدر هم در مضیقه باشند) خودشان

بروند و مداخله نکنند . باید خود محکمه قرار صادر

کند که توقیف رفع شود و ملازمه هم با اطلاع دادن ثبت

اسناد ندارد درست است که قرار را مکلف است به ثبت

اسناد اطلاع دهد ولی فوراً هم اجرا می شود و

معطل نمی ماند .

رئیس - پیشنهادی از آقای شریعت زاده رسیده

قرائت میشود :

پیشنهاد آقای شریعت زاده

پیشنهاد میکنم عبارت ذیل بعنوان تبصره اضافه شود

تبصره - حکم محکمه بدایت به بطلان دعوی را

جهت توقیف است

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - همین منظوری را که آقای آقا

سید یعقوب تذکر دادند بنده هم در نظر داشتم نظر بنده

نسبت به تضییق در قانون باینکه برای قرار رفع توقیف

قرار جداگانه لازم است مستلزم این است که ما حکم

محکمه را رافع توقیف ندانیم در صورتیکه اگر یک

مدعی می که تأمین شده است همان محکمه اصل دعوا

را بطل دانسته و رفع کرده ورقه حکمیه باید رافع

حکم توقیف باشد و اگر هم محکوم له آن حکم را

در اداره ثبت اسناد ارائه داده باید اداره ثبت اسناد بدایت

بگری بکند که رفع توقیف بعمل آید و همان حکم

طبق قانون رافع جهت توقیف است

مخبر - در خود ماده نوشته است که بعضی

زوال جهت توقیف رفع توقیف میشود . زوال جهت

توقیف یکی از همان شکلی است که حضرتعالی فرمودید

که شکل دیگرش هم اینست که طرفین در محاکمه اصلاح

نمودند آنوقت طرفین به محکمه اطلاع میدهند و با این

نوبت دیگر ادامه توقیف معنی ندارد یا همانطوریکه

فرمودید تبدیل بضامن میشود در آنوقت هم توقیف

رفع میشود و بصورت دیگری در میآید بنظر بنده خود ماده

قانون است . جلا اگر چنانچه در عمل دیده اند که مورد تشاجر

اختلاف بین قضاة میشود بنده مانعی نمی بینم که قبول

شود برای اینکه مقصود همین است . اشکالی ندارد

رئیس - رأی میگیریم باین ماده با افزایش تبصره پیشنهادی

مخبر - استدعا دارم مقرر فرمایید یکمرتبه دیگر

برو در قرائت نمایند

(مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

مخبر - بنده استدعا میکنم که آقای پیشنهاد کننده

موافقت فرمایند که کلمه « نیز » اضافه شود .

شریعت زاده - صحیح است

رئیس - رأی میگیریم به ماده ۲۷ با پیشنهاد آقای

شریعت زاده و تصحیح اخیر آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(جمعی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده ۲۸ قرائت میشود :

ماده بیست و هشتم - توقیف اموال غیر منقول

بمجرد ابلاغ قرار محکمه بمدعی علیه یا محکوم علیه بعمل

می آید

تبصره - توقیف مال غیر منقول مستلزم توقیف محمول

آن نیست .

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم بنده می خواستم آقای مخبر را

متذکر کنم باینکه تبصره پیشنهادی آقای شریعت زاده را

که در ماده قبل قبول کردند نظر آن ماده را بکل از

بین می برد و دیگر مورد ندارد خوب بود همان تبصره

را بجای ماده قرار میدادند و الاموردی نداشت (مصدق

جهانشاهی - تصویب شده است مباحثه مورد ندارد) .

زیرا آن فرمایشیه هائی که محکمه بنا بود بعمل بیاورد

آن تبصره از بین میبرد (بعضی از نمایندگان - آن ماده

تصویب شد) اول باید بآن قسمت رأی گرفت که آن

پیشنهاد بجای ماده بشود و نسبت باین ماده ۲۸ هم عرضی

ندارم مقصود اشاره این مطلب بود

مخبر - این ماده که تصویب شد و پیشنهاد آقای

شریعت زاده منافاتی با اصل ماده نداشت . زیرا بعضی

از جهات زوال توقیف همان بود که ایشان پیشنهاد کردند

و خواستند توضیح داده شود . شاید در خارج بین قضاة يك

اختلافی هست بر اینکه فوراً اقدام نشود و رفع توقیف

نکنند و البته این لازم است که اگر حکم محکمه دائر

به بطلان دعوی صادر شود باید محکمه قرار رفع توقیف را

صادر کند و هیچ منافات ندارد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای مخبر توجه بفرمایند در تبصره نوشته است توقیف مال غیر منقول مستلزم توقیف محصول آن نیست . بنده عقیده ام این است که کلمه مستلزم را بردارید و نوشته شود توقیف مال غیر منقول توقیف محصول او نیست نادر یک جانی همچو توهم نشود که میشود محصول را هم توقیف کرد اگر بنویسم مستلزم این لازم و بین بمعنای اخس نیست ما در اینجا می خواهیم بگوئیم که توقیف مال غیر منقول اصلاً غیر از توقیف محصول است . مقصود بنده این است که دونا است . خوب اگر کلمه مستلزم را بردارید بهتر نمیشود ؟ غرض من این بود که عرض کردم .

مخبر - ممکن است پیشنهاد بفرمائید بجای کلمه مستلزم موجب نوشته شود . اینطور که توقیف مال غیر منقول موجب توقیف محصول نیست آقا سید یعقوب - بسیار خوب موافقم .

رئیس - باید مرقوم فرمائید . (آقا سید یعقوب بسیار خوب) رای میگیریم بماده بیست و هشتم با تغییر کلمه مستلزم بکلمه موجب در تبصره آقایان موافقتین قیام فرمایند (اکثر قیام کردند)

رئیس - تصویب شد . ماده بیست و نهم .

ماده بیست و نهم - هر گاه ملکی که عین مدعی به یا محکوم به است توقیف شود مدعی علیه یا محکوم علیه حق ندارد اینبند آنرا خراب کند یا اشجار آنرا بیندازد مگر باندازه که برای حفظ خود ملک از خرابی لازم است .

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم

(نسبت باین ماده معارضی نبود)

رئیس - رای میگیریم . موافقتین با این ماده قیام فرمایند

(اغلب قیام کردند)

رئیس - تصویب شد . ماده سی ام قرائت میشود : ماده سی ام - توقیف محصول املاک و باغها ولوانکه محصول عین مدعی به یا محکوم به باشد قبل از برداشتن و تعیین سهم مدعی علیه یا محکوم علیه ممنوع است مگر در مواردی که سایر دارائی منقول و غیر منقول مدعی علیه یا محکوم علیه برای تأمین مدعی به یا محکوم به کفالتکافی در صورتیکه مدعی یا محکوم له تواند برای طرف دارائی دیگری ارائه دهد و بدین جهت محصول ملک یا باغ قبل از برداشتن و تعیین سهم توقیف شود مدعی علیه یا محکوم علیه حق دارد تقاضای تبدیل نموده یا مطابق مقررات لزوم ضامن بدهد . هر گاه مدعی علیه یا محکوم علیه تأمین دیگری که از حیث سهولت فروش و قیمت کتر از محصول باشد پیشنهاد کرد قبول این پیشنهاد الزامی است و اینک محصول عین مدعی به یا محکوم به بوده و مدعی یا محکوم له رضایت به تبدیل ندهد . هر گاه محصول مدعی به یا محکوم به باشد مدعی علیه یا محکوم علیه حق دارد تقاضا نماید بجای دارائی دیگر او عین محصول را توقیف نماید در این صورت نیز تبدیل تأمین الزامی است

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده یک توضیحی می خواهم

آقای مخبر در فلسفه این ماده بدهند نوشته توقیف محصول املاک ولو اینکه عین مدعی به یا محکوم به باشد ممنوع است اگر فلسفه اش این است که محصول املاکی که توقیف میشود محافظتش مشکل است و تعیین مقدارش بسیار زحمت و کسر میشود اگر این فلسفه است که باغها و باغچه ها را توقیف نموده اند و اینک آخر ماده مخالف است برای اینکه آخر ماده میگوید اگر محصول عین مدعی به یا محکوم به باشد مدعی یا محکوم علیه حق دارد تقاضا نماید بجای مال دیگر او محصول را توقیف نماید . و پذیرفتن این تقاضا هم الزامی است

اگر فلسفه توقیف محصول املاک این باشد که حفظ و نگهداشتن اسباب اختلاف و کشمکش می شود در این قسمت اخیر ماده به عقیده بنده موجبی ندارد که تقاضایش پذیرفته شود و به علاوه الزامی هم باشد اگر هم فلسفه دیگری دارد خواست دولت توضیح بدهند مخبر - در عمل دیده شده است که توقیف محصول بیشتر ضرر اساس ملک و زراعت و فلاحت تمام میشود مأمورین جزء آنطوری که باید مراقبت کنند نمیکند و آنطوری که باید تحت نظارت در آورند در موقع عمل در نیاید یک بی مراقبت هائی میشود و باز خواستش هم غالباً بجائی نمیرسد چون فحش بکفندی مشکل است بهتر اینست که اصلاً یک کاری نکنیم که محصول توقیف نشود در قسمت اول اشتباهی شده است در صورتی که از طرف خود مدعی علیه یا محکوم علیه تقاضا شود ممکن است محصول توقیف شود اینک گفته میشود محصول را نباید توقیف کرد و تقریباً میشود این از نقطه نظر کسی است که تأمین بر علیه او است ولی اگر خودش تقاضا کرد و در محکمه آمد و گفت محصول را توقیف کنید البته می پذیرند چون خودش تقاضا کرده است و این فلسفه در صورتی است که مدعی علیه رضای نباشد ولی استثناء فقط در موردی است که مدعی علیه یا محکوم علیه خودشان رضای باشند و تقاضا کنند در اینصورت تصدیق میفرمائید که وقتی خودشان تقاضا کردند ما نباید بگوئیم خودتان صرفه نان را نمیفهمید مگر قانون ملاحظه حال آنها را میکنیم ولی نباید بگوئیم که صرفه خودتان را نمیفهمید

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای مخبر توجه بفرمایند . در عبارت نوشته است که حق دارد تقاضای تبدیل نماید یا مطابق مقررات فوق ضامن بدهد این عبارت مطابق مقررات فوق را در قانون نوشتن به عقیده بنده چندان خوب نیست بنده عقیده ام این است که بنویسیم مطابق اگر ضامن بدهد . هر گاه مدعی علیه یا محکوم علیه تأمین دیگری که از حیث سهولت فروش و قیمت کتر از محصول باشد پیشنهاد کرد قبول این پیشنهاد الزامی است و اینک محصول عین مدعی به یا محکوم به بوده و مدعی یا محکوم له رضایت به تبدیل ندهد . هر گاه محصول مدعی به یا محکوم به باشد مدعی علیه یا محکوم علیه حق دارد تقاضا نماید بجای دارائی دیگر او عین محصول را توقیف نماید در این صورت نیز تبدیل تأمین الزامی است

رئیس - تصدیق میفرمائید که اگر عین محصول مدعی به یا محکوم به باشد ناگزیر باید توقیف شود برای اینکه تأمین را متوجه کرده ایم بهمان چیزی که عین مدعی به است . ولی اگر چیز دیگری بخواهند توقیف کنند

چون مصونیت دارد باید همان را توقیف کنیم. بر فرض
که يك مدعی باندازه هزار تومان تقاضا می کند که
چیزهایی را توقیف کنند. شما میفرمائید ممکن است مدعی
علیه یا محکوم علیه بگویند آن اشیائی را که توقیف کرده اید
در ازاء هزار تومان تبدیل کنید به محصول فلان ملک
من که هنوز برداشته نشده و تکلیفش معین نیست. در
صورتیکه تصدیق میفرمائید اصلاً هنوز تکلیف محصول
من معلوم نیست که چقدر است. در صورتیکه چیزی که
توقیف میشود باید چیزی باشد که کاملاً معین و معلوم
باشد و توقیف آن محصولی که هنوز برداشته نشده
نمیشود و پذیرفتن این نظر جنابعالی خالی از اشکال
نیست و تصور نمیکنم بشود پذیرفت.

رئیس - پیشنهادی از آقای احتشام زاده رسیده است:

پیشنهاد آقای احتشام زاده

پیشنهاد میکنم در جمله اخیر ماده سی ام عبارت هرگاه
محصول عین مدعی به یا محکوم به باشد حذف شود

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - بنده توضیح دیگری در این جا لازم
نمی بینم. فقط می خواهم جواب آقای مخبر را بدهم
اینکه میفرمائید نمیشود برای طلب اشخاص محصول ملک
را بعنوان تأمین توقیف کنیم این جور نیست در موقع توقیف
البته ملاحظه می کنند می بیند کسی که مالک ملک
است حداقل سهم او از این ملک چقدر است و مطابق
ادعای مدعی توقیف می کنند و چون اختیار توقیف
مال بدست خود مالک است بنده هیچ دلیلی نمی بینم
که مالک بتواند تبدیل کند يك قسمت دارائی خودش
را چیزی به چیز دیگر چون مالک این اختیار را
دارد و ما اصولاً در يك قسمت این اختیار را باو
داده ایم سلب این اختیار در قسمت دیگر خارج از

منطق است.

مخبر - همان طوری که عرض کردم نمی توان این
پیشنهاد را قبول کرد زیرا محصول مسلماً قبل از برداشت
درست معلوم نیست فقط در موردی که محصول عین
مدعی به باشد در این صورت گفتیم اگر تقاضا کرد تبدیل
میشود. چرا؟ برای اینکه نظر اصلاً متوجه خود محصول
است و مدعی به است در آنجا نظریه قیمت نیست اگر
هم تقاضا شده که تأمین بشود از نقطه نظر تشریفان
محاکمه است تأمین میشود و الا خود محصول عین
مدعی به است پس آن مورد و آن ارفاق غیر از این
مورد است بنده خواهش میکنم که پیشنهادتان را مژد
فرمائید ممکن است مدعی علیه یا محکوم علیه در هر مورد
بیابند این تقاضا را بکنند زیرا از حیث سهولت فروش و غیره
سایر اموالی که تأمین و توقیف شد برای مدعی مفیدتر است
تا محصولی که هنوز رسیده و قیمت و مبنایش معلوم نیست
و این اسباب زحمت تقاضا کننده تأمین خواهد شد و
فلسفه تأمین از بین میرود

احتشام زاده - مسترد میدارم

رئیس - رأی میگیریم بماده سی ام آقایان موافقت فرمایند
فرمایند (جمعی قیام کردند) تصویب شد

[۶ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - آقای کازرونی و چند نفر از آقایان دیگر
پیشنهاد میکنند ختم جلسه را. اگر آقایان موافقت
میفرمائید (صحیح است) جلسه آتیه روز یکشنبه ۱۸
اسفند سه ساعت قبل از ظهر دستور لایحه تأمین
مدعی به

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر